

کارکردهای فرهنگی عروسک

هنریک ژورکوفسکی

ترجمه: شیوا مسعودی



برای صحبت درباره عروسک و کارکردهای آن در طی تاریخ می‌بایست معنی آن را بدانیم. عروسک معانی فراوانی دارد، اما اینجا بر دو دیدگاه متفاوت تأکید می‌شود.

از دیدگاه سنتی عروسک صورت دست‌ساز دو بعدی یا سه بعدی است که زندگی را نمایش می‌دهد، ریشه در واقعیت یا فانتزی دارد و با مکانیزم ساده‌ای تجهیز و مفصل‌بندی شده است که موجب حرکت آن می‌شود و آن را به عنوان یک شخصیت صحنه‌ای تثبیت می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت که از چنین دیدگاهی عروسک شی‌ای است که بر اساس یک اجرای تئاتری ساخته می‌شود.

در معنی مدرن و معاصر، عروسک در لحظه و بنا بر استفاده آن در صحنه تئاتر هویت می‌یابد. هر چیز یا شی‌ای که به وسیله هنرمند قابلیت و کارایی تجلی یک شخصیت در صحنه را بیابد، عروسک است. و این معنی مناسب‌ترین تصویر چندگونه تئاتر عروسکی معاصر به نظر می‌رسد. در واقع هر هنرمند خلاق دیدگاه مخصوص خود را نسبت به مفهوم «عروسک» دارد و این برای گونه‌های جدید تئاتر که کم‌کم متولد می‌شوند، مسئله‌ای عادی است.

از آنجایی که برتری دادن به معانی معاصر تئاتر عروسکی، خطراتی را نیز پیش می‌آورد، به عنوان مثال ممکن است ما عروسک‌های سنتی و تاریخ آنها را فراموش کنیم یا اینکه از مجموعه عظیم فرهنگ بشری دور شویم، بنابراین بهتر است از دیدگاه تاریخی و

دیرینه‌شناسی به عروسک نگاه کنیم. با این نگاه مفاهیم فرهنگی عروسک از یاد نمی‌رود. مفاهیمی گسترده که ما را به درک نیروی خلاقانه عروسک در گذر تئاتر عروسکی تا به امروز، رهنمون می‌شوند.

با دلیلی مشابه ما عروسک‌های تئاتری را از سایر پدیده‌های مشابه چون مجسمه‌ها یا روایات‌ها نیز تفکیک نمی‌کنیم. همه آنها مانند عروسک جزء گروه صورت‌های خیالین هستند. ما خیال آدمی را اغلب به شکل موجودی سه بعدی و زنده تصور می‌کنیم. در دوره‌ای از تاریخ صورت‌های خیالین از کارکردهای متفاوت سرشار شد. کارکردهایی چون اجرای آیین‌ها، شرکت در مراسم اسطوره‌ای، تجلی هنر و حضور در قصه‌ها، اما شاید جذاب‌ترین کارکرد صورت‌های خیالین کارکرد نمایشی آنهاست.

بسیاری از انسان‌شناسان معتقدند که انسان اولیه، اولین صورت خیالین را به شکل بت‌ها ساخت. او می‌خواست مخلوقات قدرتمندی داشته باشد (که خدایان نامیده می‌شدند) و با آنها ارتباط برقرار کند. با داشتن چنین خدایانی او می‌توانست خود را به آنها تسلیم کند یا آنها را تحت تأثیر خود قرار دهد.

نیاز به چنین قدرت‌هایی فراطبیعی موجب گسترش تعداد زیادی مراسم و آیین گردید. و در نهایت این ساخته‌ها به موجوداتی مفصل‌بندی شده و دست‌ساز یعنی به عروسک‌ها تبدیل شدند، عروسک‌های که از جهان صورت‌های خیالین باقی مانده‌اند.

مراسم باروری، پرستش نیاکان و مراسم سوگواری در سرتاسر جهان به وسیله ساخته‌ها و عروسک‌ها اجرا می‌شده‌اند. باستان‌شناسان هنگام حفاری قبرهای قدیمی، تعداد زیادی تمثال‌های مراسم سوگواری یافته‌اند که بعضی از آنها عروسک بوده‌اند.

در آفریقا عروسک‌های سوگواری چون نیمبو Nimbo و یا اونیل Unil هنوز استفاده می‌شوند. به نظر



می‌رسد که نمایشی‌ترین شکل مراسم سوگواری، مراسم نیمبو در ژنیر است. نیمبو عروسک بسیار بزرگی است که به عنوان تابوت به کار گرفته می‌شود. نیمبو بر اساس تصویر رئیس فوت شده قبیله ساخته و بر سکویی حمل می‌شود. شرکت‌کنندگان در مراسم سوگواری به همراهی نوازندگان، و آوازخوانان نیمبو را همراهی می‌کنند. این حرکت دسته جمعی در میان تمامی مناطقی که رئیس قبیله دوست داشته ادامه می‌یابد تا او این فرصت را داشته باشد که با همه چیز و همه جا خداحافظی کند. در پایان این مراسم به سنگ مزار ختم می‌شود. شگفت آنکه اقوام مصری نیز در مراسم مشابهی شرکت می‌کنند.

احترام به اشخاص مرده و فرهنگ پاس داشت نیاکان در میان قبایل بدوی نشانگر شیفتگی نسبت به پدیده مرگ نیست. آنها بیش از مرگ مجذوب عمل خدایی خلقت بوده‌اند. بعضی از داستان‌های اسطوره‌ای این جذبۀ را اثبات می‌کند.

از میان این داستان‌ها دو داستان ارزش تحلیل دارد. یکی داستانی درباره پیگمالیون Pigmalion و گالاتئا Galathea و دیگری داستان گولم Golem است.

پیگمالیون گالاتئا را خلق می‌کند. زیباترین موجودی که او می‌توانست تصور کند. گالاتئا تصویری از الهه آفرودیت است. پیگمالیون به خاطر عشق به مجسمه محبوبش از آفرودیت می‌خواهد که به او زندگی بخشد و آفرودیت به او زندگی می‌بخشد.

اما داستان گولم کاملاً متفاوت است. عالمی مجسمه‌ای با گل می‌سازد و سعی می‌کند با علوم اسرارآمیز و علوم ارواح به او زندگی بخشد...

تاریخ تلاش‌های فراوان بشر را در خلق زندگی نشان می‌دهد. این خلاقیت تا زمان حال نیز متوقف نشده است. انسان‌ها به روش‌های مختلف در این راه تلاش کرده‌اند و اسطوره‌ها تنها ایده کلی را نشان داده‌اند.

خانواده صورت‌های خیالین بی‌شمارند و بعضی از آنها نه به لحاظ ساختار بلکه به لحاظ کارایی شبیه به عروسک‌ها هستند. بت جادویی در فرهنگ جهانی باقی مانده است، اگرچه کارایی‌های آن و محیط اطرافش تغییر کرده است.

ممکن است ما همان بت را هنوز در آفریقا یا منطقه پاسیفیک ببینیم، همان طور که آن را به شکل بت‌های پرستش کردنی در معابد شیتو و بودایی و یا کلیساهای کاتولیک می‌بینیم که گاه حرکاتی مکانیکی نیز به آنها داده‌اند. در بعضی کشورها مجسمه - عروسک‌ها در خیابان‌ها هنگام جشن‌های متفاوت و کارناوال‌ها خودنمایی می‌کنند. در اسپانیا گونه‌ای مراسم خیابانی با حضور عروسک‌های غول پیکری با نام غول یا «کابزادوس» Cabezudos برگزار می‌شود.

یک مجسمه - عروسک بی‌روح می‌تواند یادآور شاهان، پرنس‌ها و یا شهروندان شایسته شهرها باشد. آنها بازتابی نمادین از آیین پرستش نیاکان هستند. تمثال‌های مراسم سوگواری در انگلستان اساس ایجاد موزه‌های تمثال‌ها و پیکره‌ها چون موزه «مادام توسود» Madam Tussaud است.

پیکره‌های زنانه با ابعاد کوچک در قرن ۱۹ به عنوان مانکن‌های قابل حمل برای نمایش لباس‌های مد روز استفاده می‌شد و عروسک‌های بازی بچه‌ها این راه را ادامه دادند و کامل کردند. تمامی گونه‌های صورت‌های خیالین تنها یک قدم با ورود به صحنه تئاتر فاصله داشتند و تعداد زیادی از آنها این قدم را برداشتند و در شکل‌های متفاوت در هنر تئاتر به کار گرفته شدند.

عروسک‌ها به شاعران، نویسندگان و فیلسوف‌ها نیز فکر و ایده دادند عروسک‌ها منابعی از استعاره‌های هستی یافته هستند. عروسک در داستان عروسک‌گردان الگویی از وجود انسان است. عروسک در مواجهه با سرنوشتش بسی اراده و بسی پشتیان است و این عروسک‌گردان است که عروسک را فعال می‌سازد. او

گاه می‌تواند به عروسکش اجازه دهد که در مقابل سرنوشتش و حتی عروسک‌گردانش طغیان کند. اما تمامی اینها در جهان نمایش رخ می‌دهد. تمامی این استعاره‌ها در آثار نویسندگانی چون پلاتو Plato، سوئیفت Swift، گوته Goethe، تیک Tieck، مترلینگ Maeter linck، شینتسلر Schintzler، و بسیاری دیگر تجربه شده‌اند. به نظر می‌رسد کاربردهای استعاری که نویسندگان و شاعران در اختیار دارند، نقش مهمی در سهم عروسک‌ها در فرهنگ داشته باشد.

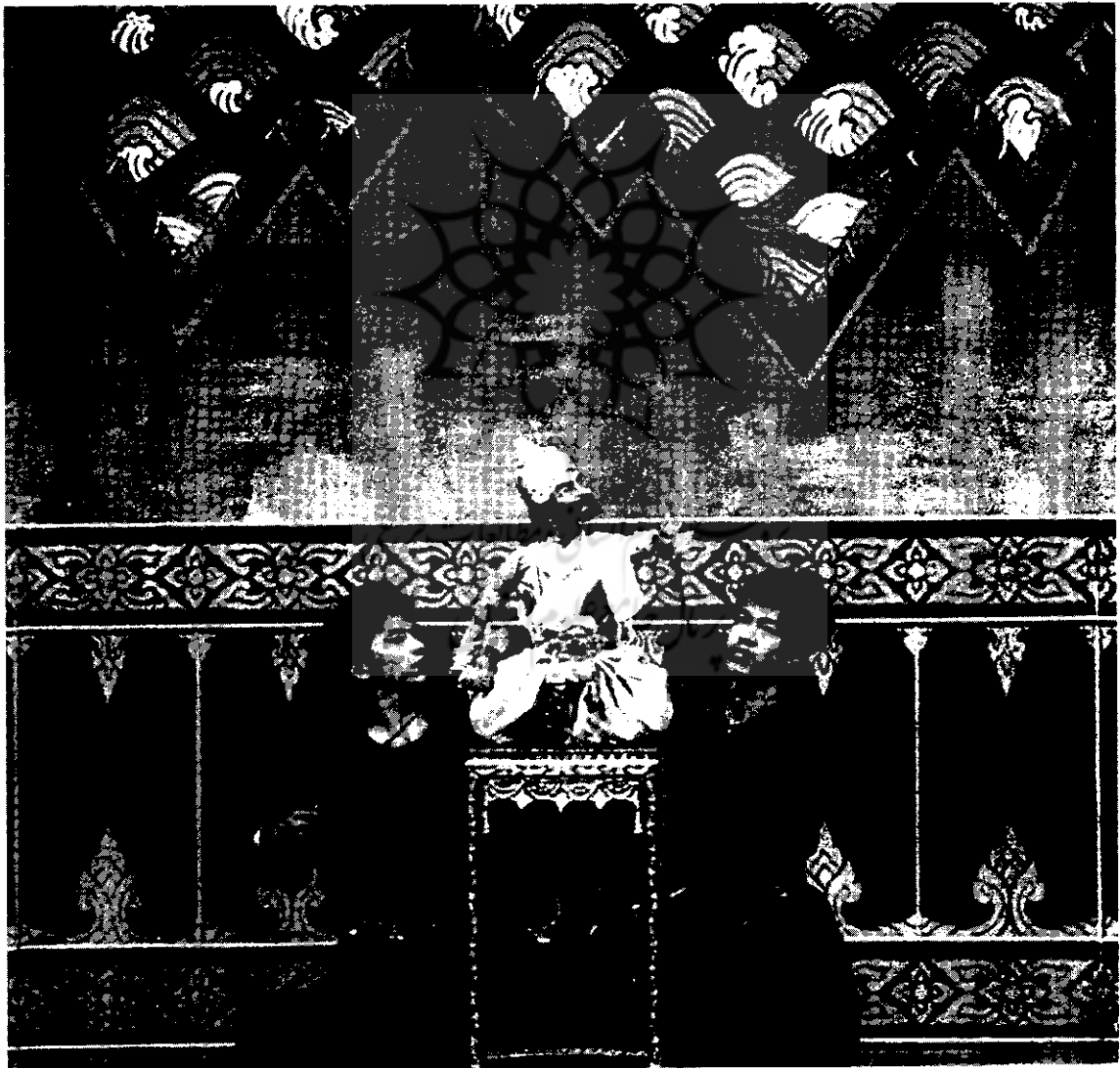
عروسک‌ها زاده خیال هستند. آنها در انتظارند تا در خیال آدمیان به وجود آیند و استفاده شوند. تاریخ ثابت کرده است که عروسک‌ها توانایی گسترده‌ای دارند تا مشکلات وجودی زندگی بشری را بیان و تفسیر کنند. به نظر می‌رسد عروسک‌ها بسیار پیش از آنکه وارد تئاتر شوند هم زندگی را تقلید می‌کردند، قصه‌گوها برای تصویر کردن قصه‌هایشان از عروسک‌ها استفاده می‌کردند. عروسک‌ها به عنوان موجودات جادویی و رمزآمیز برای شعبده‌بازان خیابانی، آکروبات‌ها و رام‌کنندگان حیوانات به کار گرفته می‌شدند. طیبیان، فروشندگان دارو و دندان‌کش‌ها از عروسک‌ها به عنوان وسیله ارتباط عمومی برای تبلیغات خدمات و محصولات خود استفاده می‌کردند. و البته اینها همه فرصتی بود تا نمایش‌های کوچک ایجاد و گسترده شوند. این نمایش‌ها ممکن است نقطه شروعی برای نمایش‌های عروسکی خیابانی مردم‌پسند بوده باشند.

در بعضی از مناطق آسیا چون راجستان و چین عروسک‌ها برای سرگرمی به کار گرفته می‌شد. و در بسیاری دیگر از کشورها بخصوص جنوب آسیا عروسک‌ها در نمایش‌های مذهبی شرکت می‌کردند. ما می‌دانیم که در نمایش‌های باستانی و بازی‌های نمایشی رمزآمیز در قرون وسطی اغلب از عروسک‌ها استفاده می‌کردند ولی مستندترین مدرک استفاده از عروسک‌ها در دوران رنسانس و تحت تأثیر معماران تئاتر افرادی



وسيله «چيكاماتسو مونزامون» Chikamatsu و هم‌چنين در اپراي چيني مي‌بينيم. اين مسئله ثابت مي‌كند كه عروسك‌ها كارآيي تئاتري خود را در نقاط مختلف جهان بر اساس پيشرفت فرهنگ محلي به دست آورده‌اند. اگرچه بايد گفت كه پيشرفت هنر عروسكي در اروپا به دليل شركت فوق‌العاده فعالانه آن در گونه‌هاي مختلف تئاتر بوده است. براي كامل كردن صحبت بايد گفت كه ما عروسك‌ها را در

چون سرليو Serlio، و ساباتيني Sabbatini، مي‌باشد. از اين زمان عروسك‌ها به خوبي در ميان هنرمندان تئاتر قرار گرفتند. با ورود به تئاتر عروسك‌ها قدرت جادويي شان را از دست دادند و بخشي از واقعيت ظاهري تئاتر شدند. به اين معني كه آنها تسليم قوانين و روش‌هاي تئاتر شدند. به اين ترتيب ما عروسك‌ها را در اپرا و كمديا دل‌آرته ايتاليائي و در همان زمان در نقطه‌اي بسيار دورتر در تئاتر طبقه متوسط ژاپن به



یک زمان در مجموعه نمایش‌های دوره الیزابتین Elizabthan و در بعضی نمایش‌های مشهور آلمانی و در ملودرام‌های فرانسوی می‌دیدیم. تا قرون متمادی عروسک‌ها به عنوان یک سرگرمی کنجکاوی برانگیز در میان تماشاگران خیابانی و درباری شهرت داشتند. بنابراین شیوه جدید نمایش‌های عروسکی مردم‌پسند در چهارراهی از یک فرهنگ متعالی از یک سو و سرگرمی عامیانه از سوی دیگر زاده شد.

تئاتر عروسکی مینیاتوری (ماکتی) از تئاتر زنده است و عروسک‌ها گونه‌ای از بازیگران تئاتر هستند. در بعضی موارد، عروسک می‌تواند بهتر از یک انسان در تئاتر به کار گرفته شود. عروسک یک هنرپیشه ساده و ایده‌آل، رها از تمامی خطاهای بشری است. او همیشه مطیع مدیران و کارگردانان تئاتر است با توجه به قابلیت‌های عروسک، جای شگفتی نیست که بسیاری از هنرمندان پیشرو، هنگامی که به دنبال موجودی مطیع بودند که تمامی آرزوهای آنها را در تولیدات خلاقه تئاتری برآورده سازد، به سوی عروسک‌ها روی آوردند و آنها را در کارهایشان به کار گرفتند و موفق شدند که نتایج حیرت‌آوری به دست آورند.

اگرچه هنرمندان پیشرو که مبدع و فعال بودند، هیچگاه از طرف عامه مردم و طبقه متوسط تشویق یا قدردانی نشدند، تماشاگران متوسط عروسک‌های آستره و استلیزه را نمی‌فهمیدند. تماشاگران عروسکی، عروسک‌های ماریونت با برنامه متنوع در تئاتر ایتالیایی را ترجیح می‌دادند. آنها عروسک‌های طبیعت‌گرایانه ابراتسوف Sergi Obraztesov روسی را دوست داشتند. او (ابراتسوف) تماشاگران سراسر جهان را با دنیای شگفت‌انگیز عروسک‌هایش شیفته خود کرده بود.

به تدریج هنرمندان دیگری وارد حوزه عروسکی شدند و هویت آن را تغییر دادند. بدعت بزرگی در نیمه دوم قرن ۲۰ آغاز شد، وقتی که هنرمندان تئاتر زنده را رها کردند و شکل جدید و خلاقانه تئاتر عروسکی را

آغاز کردند که در آن به شعر اهمیت می‌دادند و زبان تصویری جدیدی یعنی زبان استعاره را به کار گرفتند.

عروسک‌گردان‌های حساس و معتقد به عقاید پیشرو در قرن ۲۱، عروسک‌ها را از بین می‌برند و تصمیم می‌گیرند که مراحل مختلف خلق عروسک را به تماشاگران نشان دهند. بر روی صحنه نمایش هنرمند عروسکی داستانی را نمایش می‌دهد و در همان زمان مراحل ساخت نمایش خود را نیز نشان می‌دهد، حضور فعال عروسک‌گردان در نمایش عروسکی مدرن، دری به سوی پست مدرنیسم است. تئاتر عروسکی یک گونه چند بعدی شده است که اهداف مختلف اجتماعی و زیبایی‌شناسی را دنبال می‌کند. در پایان قرن ۱۹ تئاتر عروسکی در برنامه‌های جدید تربیت به وسیله هنر، تئاتری برای کودکان شد. امروزه تئاتر عروسکی هم‌چنان تئاتری برای کودکان باقی مانده است ولی تماشاگر بزرگسال نیز به دست آورده است. ژانرها (گونه‌های) تئاتر عروسکی شامل شکل‌های سنتی تئاتر عروسکی چون پانچ و جودی و شکل‌های مدرن چون نمایش‌های ترکیبی و نمایش اشیاء و مواد هستند. عروسک هم‌چنین ابزاری جذاب برای بسیاری از کارگردانان تئاتر چون ژان لویی بارو Jean Louis Barrault، آرین منوشکین Arian Mnoueskin، باب ویلسن Bob Wilson، شده است. استفاده شگفت‌انگیز از عروسک در فیلم‌های انیمیشن یا فیلم‌های تلویزیونی (چون نمایش آمریکایی جیم هنسن) تنها تأییدی بر یک حقیقت کلی است، عروسک عنصر جذاب هنرهای بصری و بازیگر مجازی و دست‌ساز دنیای معاصر است. در دوران ما که فرهنگ بیشتر از کلمات به وسیله تصاویر بیان (منتقل) می‌شود، عروسک نماد است، تصویری است شایسته و بازیگری طبیعی برای تئاتر... و این فرصتی جدید است...

برگرفته از مقالات کمیته مطالعات بونوما